

## ضمن تحریم دور دوم «انتخابات» ریاست جمهوری ار عاب روحی، جو سازی ها و شایعه پردازی های رژیم را افشاء کنیم!

\* برخلاف ار عاب روحی و شایعات هراس انگیز اصلاح طلبان مذهبی، استقرار «فاشیسم مذهبی» یا «حکومت طالبان» در ایران نه تنها غیر ممکن است بلکه دولت های غربی و خصوصاً آمریکا- نیز حضور هیچ «قذافی شرور» و یا «طالبان فاشیست» را در منطقه (و خصوصاً ایران) تحمل نخواهند کرد. بنابراین: احتمال انتخاب آقای احمدی نژاد به ریاست جمهوری، یک **انتحار سیاسی** برای رژیم اسلامی خواهد بود.

«صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد  
بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد  
فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید  
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد».

تحریم گسترده «انتخابات» ریاست جمهوری توسط مردم و کشاندن آن به دور دوم، بار دیگر ملت ایران و خصوصاً روشنفکران و رهبران سیاسی ما را در برابر یک آزمون دشوار و سرنوشت ساز قرار داده است. دور اول این «انتخابات» در حالی به انجام رسید که حتی کاندیداهای حکومتی (از آقای کرّوبی تا معین و رفسنجانی) تقلبات آشکار، رأی سازی ها و رقم پردازی های بی شمار را تأیید کرده و در واقع، بطور مستند، علنی و آشکار، ماهیت مشکوک و نامشروع این انتخابات نمایشی را ابراز نموده اند.

بر اساس این تحریم ملی، موازین غیردمکراتیک و تقلبات گسترده است که بعضی از دولت های غربی (خصوصاً آمریکا) انتخابات اخیر را فاقد مشروعیت و بی اعتبار دانسته اند ...

در چنین شرایطی از عدم مشروعیت ملی و بی اعتباری بین المللی، جناح های رژیم اسلامی در یک اتحاد نانوشته و در یک غوغای عظیم تبلیغاتی و جنگ روانی- ترس از استقرار فاشیسم و هراس از حکومت طالبان را تبلیغ می کنند در حالیکه حتی اجدد خوانان کلاس سیاست نیز می دانند که با توجه به شرایط ملی و خصوصاً بین المللی، تحقق چنین احتمالی در ایران، نه تنها غیر ممکن است بلکه دولت های غربی و خصوصاً آمریکا نیز حضور هیچ «قذافی شرور» و یا «طالبان فاشیست» را در منطقه (و خصوصاً در ایران) تحمل نخواهند کرد. بنابراین: **انتخاب** آقای احمدی نژاد به ریاست جمهوری، یک **انتحار سیاسی** برای رژیم اسلامی خواهد بود چرا که آغاز ریاست جمهوری وی، پایان حکومت مَلاها خواهد بود. لذا: «نامزد محبوب و مطلوب»، همان، حجة الاسلام رفسنجانی می باشد.

با چنین درک درست و نقشه حساب شده ای است که رهبران رژیم اسلامی، کسب اعتبار و مشروعیت ملی و حصول به مصونیت بین المللی را تنها در گرو شرکت هر چه گسترده تر مردم در «انتخابات» ریاست جمهوری می دانند.

... و اینچنین است که چه «اصلاح طلبان دیروز» و چه «مصلحت طلبان امروز»، «عالیجناب سرخپوش» (حجة الاسلام رفسنجانی) را به مثابه «ناجی» معرفی می کنند تا با کسب بیشترین آرای مردم، ضمن احراز مشروعیت رژیم اسلامی در دور دوم، بار دیگر، «حماسه دوم خرداد»!! را تجدید و تکرار نمایند ... و دریغ که گروهی از نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران ما (که دیروز با حمایت بیدریغ از «خاتمی»، ملت ما را به ناکجا آباد «اصلاح طلبان دینی» سوق داده بودند) امروز نیز به این «ارکستر بی شکوه» پیوسته اند!

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید  
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

ار عاب روحی، جو سازی ها و شایعه پردازی های وحشت انگیز رژیم، در شرایطی اوج می گیرد که جنبش ملی ایران در مشورت با شخصیت های ملی، موجّه و خوشنام، در تدارک تشکیل «شورای رهبری نجات ملی» است تا بعنوان یک آلترناتیو سیاسی، نماینده و سخنگوی جنبش آزادیخواهانه ملت ایران در سطح بین المللی باشد، این شورای رهبری، در مبارزه برای برکناری رژیم اسلامی، تعیین نوع نظام دلخواه مردم را به یک همه پرسی آزاد و دموکراتیک (زیر نظر محافل بین المللی) خواهد سپرد.

در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز، بر عهده رهبران سیاسی، روشنفکران و دانشجویان آزادیخواه (و خصوصاً رادیو-تلویزیون‌های ملی ما) است که با افشای ارباب‌روحي، جوسازی‌ها و شایعه‌پردازی‌های رژیم، جهانیان را از ماهیت غیردموکراتیک و نامشروع این به اصطلاح «انتخابات» آگاه نمایند.

چنین باد!  
و اینچنین تر باد!  
۳۱